



مفتی محمد شفیع

رومن گاری توفان

ترجمہ کی مال دیداری

- جہان نو۔

سرشناسه: گاری، رومن، ۱۹۸۰-۱۹۱۴ م

Gary, Romain

عنوان و نام پدیدآور: توفان / رومن گاری؛ ترجمه‌ی مارال دیداری

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص

شابک: ۵-۵۸۵-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Lorage

موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰ م

موضوع: French fiction -- 20th century

شناسه‌ی افزوده: دیداری، مارال، ۱۳۶۳، مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ ۲۶۳۶

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۲۵۴۲۸

ردمبندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیر فارسی - مجموعه داستان فرانسوی

توفان
رومن گاری
ترجمه‌ی مارال دیداری

ویراستار: حامد حکیمی
مدیر هنری: مجید عباسی

همکاران آماده‌سازی: نینا روزندی، زهرا بازبان شتربانی
ناظران تولید: امیرحسین نخجوانی، میثم باقری
لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۰۵۰۰۰۰۰۰۰

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی کریم خان: تهران، خیابان کریم خان زند، نیش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، واحد ۴۰۴، طبقه ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ —
کتابفروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحنا، نرسه بزرگراه نیایش، خیابان
حافظی، نیش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۵۲۷۰۰۰۰۰ — کتابفروشی
نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌مسرای بابل. تلفن: ۰۱۱-۳۱۰۷۶۵۰ —
کتابفروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم،
پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی پریس: تهران، خیابان پارسداری، نیش گل
یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی دوم. تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی دلشهر: مشهد،
بلوار وکیل آباد، بین وکیل آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

پیش‌گفتار	۷
یادداشت ناشر فرانسوی	۱۱
رفان	۱۳
جغرافیای انسانی	۲۷
ده سال بعد از قدیمی‌ترین داستان جهان	۳۵
گره‌بان	۴۳
خانم کوچده	۴۷
یونانی	۶۵
نام‌نامه	۱۰۹

پیش گفتار

گاهی آدم باغچه می‌گریه، همانند سرخ‌پوست‌ها در نظر ژنرال کاستر^۱، نویسندگان خوب هم نویسندگان هستند که مُرده باشند. گاری مُرده و علاوه بر آن [...] انسان‌های شریف خرد به خاطر می‌آورند که در سال ۱۹۸۰، آن روز کمابیش خاکستری، زمانی که از خود اشیای رمان نویس باخبر شدند کجا بوده‌اند. هر چند کمی پیش‌تر به خاکش سپرده بودند. مردمِ تنومند سال‌خورده و دربندشده در لباس نظامی، با کلاه خارجی‌های نوکیسه، می‌گاری‌برگ و ریش خاکستری سازش کارانِ خیابان بک^۲ که کتاب‌هایش را برگرد می‌خواندند؛ و صد البته خطا می‌کردند. نخواندن همیشه خطاست. بیست و پنج سال^۳ از آن روز گذشته است و گاری باز می‌گردد. بار دیگر غافل گیرمان می‌کند. داستان‌هایی که در مجموعه‌ی توفان پی‌درپی آمده‌اند، کمابیش در طول یک عمر نوشته شده‌اند. از خلال آن‌ها جهانی را می‌بینیم که در حال شکل‌گیری است. مرگ همه جا حضور دارد. این موضوع خوبی است. در افریقا، چند هوانورد داخل اردوگاه دور آتش جمع شده‌اند

۱. از افسران نیروی زمینی آمریکا که مأموریت داشت سرخ‌پوستان را سرکوب کند و به قاتل سرخ‌پوست‌ها شهرت یافت.
۲. خیابانی در منطقه‌ی هفتم پاریس که گاری از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۰ آن‌جا زندگی می‌کرده و محل سکونت آندره مالرو نیز بوده است. وزارتخانه‌ای نیز در این خیابان واقع بوده و منظور از سازش کاران، دیپلمات‌هایی‌اند که در آن‌جا رفت‌وآمد داشته و اهل زدوبند و تئانی و سازش‌کاری بوده‌اند.
۳. اشاره به سال ۲۰۰۵ و انتشار سال‌نامه‌ای که به گاری و آثارش اختصاص یافته بود.

و با هم از شاهکارهاشان می‌گویند. بسیاری از آن‌ها از جنگ برنگشته‌اند. در چاد، خانه‌شاگردی که زبان فرانسه نمی‌داند ترانه‌ای را به فرانسه از بر می‌خواند. سفر می‌کنیم به هندوچین. گرامافونی در جنگل هست. زن بی‌فکری بین دو دسته، بذیر آشوب می‌پاشد و برخلاف میلش موجبات بدبختی و تأثر را فراهم می‌کند. سگی از نژاد پکینو را در جنگل بکر مدفون می‌کنند. می‌رویم به یونان. آن‌جا بارون آلمانی در گفت‌وگویی می‌گوید «این روزها، از اساطیر یونان تنها همین هوانوردان باقی مانده‌اند.» و یک قهرمان شنای استقامت از دشوارگذرترین جزایر عتیقه می‌دزد.

این متن‌ها با هم چهل تکه‌ای می‌سازند از پارچه‌هایی که هر کدام درخشش خاصی دارند. خودنگاره‌ای درهم‌ویرهم. گاری به زبان گاری می‌نویسد، زبان بیگانه‌ای که در سکس مخوف به فرانسه شباهت دارد. به انگلیسی هم می‌نویسد، سپس نوشتار خودش را ترجمه می‌کند، اما در نهایت به فرانسه بود، فرانسه‌ای خیالی، شخصی، منحصر به فرد با آمیزه‌ای از خشونت و ملایمت، با لهجه‌ای که هم‌زمان همچون مخمل زبر همانند سگ سخت است. گاری تک‌نواز است و موسیقی کلاسیک مجلسی می‌نوازد، و ناگهان در میان یک میزان، و بولن کولی‌ها را به چنگ می‌آورد، با ساز شور می‌گیرد، آن موسیقی را فراموش می‌کند و بزمی باورنکردنی به راه می‌اندازد. معمولاً بیش از حد و به یک می‌برد، بارانی از صفات و دریایی از قیدها، و این بخشی از زیبایی کار اوست که مانع آن شود. گاری سرآشپز، از آشپزهای امروزی نیست. صفحاتش شبیه صفحات هادی است که با دست‌ودلبازی پُر شده و لبریزند و در پس تمام این‌ها دردی کهنه است. غم عمیق. مرگ خواهد آمد و چهره‌ی غیرمنتظره‌ی دختر پیشخدمت فست‌فود را خواهد داشت.^۱ رومن گاری در ادبیات همه‌کاره بود. همه کار کرد. چندین رمان، یک

۱. اشاره دارد به جمله‌ی «مرگ خواهد آمد و چشمان تو را خواهد داشت»، آخرین متنی که شاعر و نویسنده‌ی ایتالیایی، چزاره پاولزه، قبل از خودکشی نوشته بود.

شرح حال‌نامه، تعدادی مصاحبه، چکامه‌ای برای شارل دو گل^۱، دو جایزه‌ی گنکور^۲، چندین فیلم‌نامه، یک کانولار^۳، و چند نام مستعار را وام‌دار او هستیم. او خود به‌تنهایی جمعی بوده است. هالیوود، نیروهای آزاد فرانسه، آژار^۴ و جین سیبرگ^۵، همه‌ی این‌ها با هم نوعی افسانه می‌سازند. افسانه‌ای زیبا به نام گاری. دروغ‌های قشنگش اما، دردسرهای زیادی برایش به بار آورده‌اند. گاری شیفته‌ی چیزهای بسیاری بود، جوانی، امریکا، سینما و سیاست؛ البته به شرطی که به نحوی به فرانسه مربوط می‌شد. فلش از خشمی درونی در جوش و خروش بود. «واقعاً فکر می‌کنم، بچه‌ی روزی که به حدود چهل سالگی برسد، هر چه شود، عذر و بهانه‌های حسابی خواهد داشت.» «آدم‌ها پست هرگز غمگین نیستند.» گاری در این داستان‌ها سوالات بجایی می‌پرسد. در حمله، پیش از مرگ چه کتابی باید خواند؟ اشعاری از اودن^۶؟ کتاب مقدس؟ بوش کین؟ بسیار خب، یک دفترچه تلفن قدیمی هم کار را راه می‌اندازد، و این خود بسیار معنادار است. داستان‌هایش مانند فضایی‌ماهایی یک‌باره به زمین می‌نشینند. نویسنده در آن‌ها حضور دارد. می‌توان حس کرد که سن و سال، موفقیت و بی‌تفاوتی او را زنده‌زنده در کتابش نشیده‌اند. داستان‌ها می‌درخشند با تالافویی همچون گذشته، همانند ستاره‌های خاموش شده‌ای که نورشان هنوز به ما می‌رسد. آدم گاهی با خود می‌گوید، نویسندگان خوب هرگز نمی‌میرند.

اریک نونوف^۷

۱. معروف به ژنرال. دو گل: افسر ارتش فرانسه بود. در جنگ جهانی اول شرکت داشت و در جنگ جهانی دوم فرمانده نیروهای آزاد فرانسه شد که گاری نیز به عنوان هوانورد عضو آن بوده است. دو گل، پس از جنگ، به مقام ریاست‌جمهوری فرانسه رسید.

۲. گاری اولین جایزه‌ی گنکور را برای کتاب ریشه‌های آسمان و دومین گنکور را با اسم مستعار «آژار» برای کتاب زندگی در پیش رو دریافت کرد. هر نویسنده تنها یکبار می‌تواند این جایزه را دریافت کند و گاری تنها نویسنده‌ای است که دو گنکور در کارنامه‌اش دارد.

۳. کلک‌بازی. واقعی نمایاندن ماجرای غیرواقعی به قصد دست انداختن مخاطب است که عامدانه و بدون حسن نیت صورت می‌گیرد.

۴. یکی از نام‌های مستعار گاری.

۵. هنرپیشه‌ی آمریکایی و هسبر دوم گاری که در ۱۹۷۹، یک سال قبل از مرگ گاری، خودکشی کرد.

۶. شاعر انگلیسی-آمریکایی.

۷. نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی.